



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۱ ■ ۲۰ مرداد ۱۴۰۱

نوجوان
کلاف



مریم
شاهپسنودی

۴

اولین انتخاب

نگاهش روی صفحه مانیتور خشک شده است و هنوز نمی داند که باید چه چیزی را انتخاب کند. از کشف علایقش هم عاجز شده و توصیه هایی که این مدت از غریبه و آشنا شنیده، دائماً در گوشش پژواک می شود و فرصت تشخیص به او نمی دهد. حرف های مدیر مدرسه به خاطرش می آید که به او پیشنهاد داده بود تا با چنین نمره هایی، رشته ریاضی بخواند و مهندس شود. مادر و پدرش هم عزمشان را جزم کرده اند تا به هر طریقی که شده، او را به سمت رشته تجربی سوق بدهند. طوری که کم کم باور کند عاقبت به خیری فقط و فقط در پزشک شدن است و لاغیرا! موسسه های مختلف هم دم به دقیقه زنگ می زنند و تبلیغ می کنند و درازای راهنمایی کوچک، هزینه های کلانی را می خواهند. او اما هنوز راهش را پیدا نکرده است. از طرفی، دو نفر از دوستان صمیمی اش تصمیم گرفته اند تجربی بخوانند و او دلش نمی خواهد که از آنها جدا بیفتد. در این بین، هیچ کس از او نپرسیده که چه هدفی دارد. این روزها علاقه اش به کدام سمت و سو می رود و دلش می خواهد در آینده چه شغلی داشته باشد. آن قدر که حتی خودش هم نمی تواند درست و حسابی جواب این سوال ها را بدهد. گمان می کند که تا حدی ریاضی دوست دارد، به نقاشی علاقه مند است، حفظیات خوبی دارد و از این که یک عمر زیست بخواند هم آیبی ندارد اما این که دقیقاً کدام رشته می تواند راه مختص به او باشد را پیدا نمی کرد.

مسئولیت سنگین

پاسخبرگ را به مراقب تحویل داد و از روی صندلی بلند شد. به یک سالی که گذرانده بود فکر کرد. به این که بالاخره تصمیم گرفته بود تجربی بخواند. قانع شده بود که رشته تجربی همان راهی است که اگر ادامه بدهد، قطعاً عاقبت به خیر می شود. یک سال درس خوانده بود، تست زده بود، خانواده اش هزینه های رنگارنگ کرده بودند تا آزمون ورودی اش را به خوبی بگذرانند و بتوانند سوای از دیگران، در مدرسه ای خاص درس بخواند و پله های ترقی را دو تا یکی بالا برود. اما حال که از این مرحله عبور کرده بود، استرسش کمتر که نه، بیشتر شده بود. هراس داشت از این که پدر و مادرش را ناامید کند و کاخ رویاهایشان را خراب! و از آن بدتر، نمی دانست جواب حرف فامیل را چه بدهد! با تعریف و تمجید هایی که مادرش از او کرده بود، همه توقع داشتند که از این آزمون سر بلند بیرون بیاید. حتی مدیر و مشاور هم امید داشتند که او بتواند رزومه مدرسه را درخشان کند. او ولی نمی دانست که باید با این مسئولیت چطور رفتار کند. بعضاً از این که در کانون توجه بود، خرسند می شد و گاه برایش آزار دهنده و استرس زا بود.

جرات بازگشت

سال تحصیلی تمام شده بود و او هیچ رغبتی برای دیدن کارنامه اش نداشت. چه بسا اگر به اختیار او بود، نمی گذاشت هیچ بنی بشری از نمره هایش باخبر شود. ماحصل یک سال تحصیلش در این رشته، نمره هایی بود که یک چیز را جار می زد: «پشیمانی». بعد از ۹ ماه درس خواندن و به هزار جان کندن، مباحث مختلف را یاد گرفتن، فهمیده بود که اساساً برای این رشته ساخته نشده است. او مثل باقی همکلاسی هایش نبود که عاشق تشریح جانور باشد و مشتاق کلاس زمین شناسی! فهمیده بود که ادبیات دوست دارد و دلش می خواهد از فلسفه ای که چند روز پیش در کتابخانه مدرسه دیده بود، بیشتر بداند. نمره هایش در درس هایی مثل عربی و ادبیات و جغرافی بالا بود و او تازه متوجه شده بود که دوست دارد در رشته انسانی تحصیل کند. از عوض کردن مسیری که تا به آنجا آمده بود، می ترسید و دلش نمی خواست دوباره خطا کند. از طرفی، گمان می کرد که پشیمانی اش دیگر سودی ندارد و بهتر است که این دوسال باقیمانده را بسوزد و بسازد. غافل از این که هر زمان ماهی را از آب بگیری تازه است.

جمله سازی

مهم ترین چالش هدایت تحصیلی من این بود که...

هیچ وقت هدایت نشدم، بلکه مجبور شدم. / سید امیرحسین امامی از تهران
به جای علاقه خودم، علاقه والدین به من تحمیل شد. / مجتبی ستوده نیا از سیرجان
بین علاقه و استعدادم یا رشته آینده دار و مورد پسند جامعه انتخاب کنم و اشتباه انتخاب کردم. / سام صالحی بختیاری از اصفهان
به هیچ مشاوره ای اعتماد نداشتم و به هیچ کس بیشتر از یک مشاوره نیاز نداشتم. / حسین مروارید از مشهد
به خاطر آموزش مجازی افت تحصیلی داشتم و ممکن بود رشته مورد علاقه ام قبول نشم. / نرگس سلگی از نهاوند
اطرافیانم، بیشتر از من چالش داشتند تا خودم. / آتنا ابراهیم زاده نطنزی از کاشان
فهمیدم خیلی هامون نه به دلیل علاقه، بلکه چون تصمیم داریم موفق شویم، باید درس هایی که مورد علاقه مون نیست رو بخونیم. / تارا جانباز از ساری
اون درصدا و رشته ها به علایق و استعداد من ربطی نداشتن، ولی باید از بین همونا، یکی رو برای زندگی تحصیلی ام، براساس صلاح جامعه و حرف دیگران، انتخاب می کردم. / کوثر کریمی نیا از دزفول
همیشه باید با بچه های مردم مقایسه می شدم نه خودم. / هانیه قره قانلو از تهران

زودتر با خبر شوید ...
MozayedeMonaghese.com

۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۱۰

حانه

فراخوان عمومی

بدینوسیله از کلیه شرکای
موسسه دانش پژوهان کویر به
شماره ثبت ۳۸۷ دعوت به عمل
می آید در جلسه مجمع عمومی
فوق العاده (نوبت دوم) در ساعت
۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ در محل
موسسه حضور بهم رسانند.

● دستور جلسه:

◀ جایگزینی اساننامه

هیأت مدیره

برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس آی
رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک
ایران ۴۱ - ۴۶۱ م ۶۴ و شماره موتور 01206495
و شماره شاسی S1412284568322 به نام
یاسر شاهرودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می باشد.

سند وکالت نامه موتورسیکلت سیستم سوزوکی
تیب GSX1400 مدل ۱۳۹۴، رنگ سفید آی، ۴ سیلندر و بنزین
سوخت قدرت ۱۱۸ اسب بخار و توان الکتریکی ۱۴۰۲ سی سی
شماره شاسی 7Y701A-104605 شماره موتور 7Y701-130818
فاقد شماره گذاری و پلاک انتظامی به نام اینجاب علی تادب راز
وکالت شده به نام آقای علیرضا رضایی جیحون آبادی به شماره
ملی ۴۸۹۰۰۸۰۷۷۵ فرزند مراد مفقود و فاقد اعتبار می باشد.